— «شکل جنبش انقلابی (چه مسلحانه و چه غیرمسلحانه)» [ص ۶ سطر ۲]

— (۱) طبقات کارگری

(۲) خرده بورژوازی شهری — سنتی: پیشه‌وران شهری، بازاریان، طلاب جوان و روحانیت خرده و البته طبقه حاکمه و... (بقایای سلف‌های از بورژوازی ملی که از نظر سیاسی به خرده بورژوازی گره خورده اند)

— غیرسنتی: دانشجویان، روشنفکران دانشگاهی و غیردانشگاهی، کارمندان ادارات و اجزای پائین دستگاه حکومتی از قبیل تکنوکرات‌ها و...

(۳) دهقانان — خرده مالکین جزء
— دهقانان فقیر و کارگران کشاورزی (خوش‌نشین‌ها) [ص ۶ س ۳]

— جنبش مسلحانه: دانشجویان، روشنفکران دانشگاهی و گاه غیردانشگاهی
عناصر متوسط و پائین خرده بورژوازی شهری و طلاب و روحانیت که در عین حال از نظر اقتصادی در سطح پائینی قرار دارند (طلاب جوان و روحانیون پائین)
کارگر: «کارگری که به جنبش مسلحانه می‌پیوندد، نه در جریان پراتیک جنبش خود بخودی طبقه‌ای، و نه در جریان رشد، توسعه و ارتقاء این جنبش تا سطح مبارزه مسلحانه بلکه از طرق دیگری غیراز: طریق عمومی و کسب طبقه خود) در معرض آگاهی و آموزش سیاسی قرار گرفته و مانند یک روشنفکر به جنبش مسلحانه می‌پیوندد»

— «هدف‌های اساسی سوسیالیستی جنبش مسلحانه..» [ص ۷ - س ۲]

— کارگران: «آگاهی سیاسی جز در دو شکل استثنائی که اقلیت بسیار محدودی را در برمی‌گیرد، تقریباً هیچ وجودی ندارد»
اولین شکل استثنائی: کارگران قدیمی و با سابقه حزب توده و سندیکا
دومین " " : آگاهی سیاسی خرده بورژوازی که معمولاً در شکل مذهبی نیمه مذهبی - نیمه سیاسی
از دو طریق ۱- عناصر از خرده بورژوازی شهری که در اثر فشار سرمایه آنها را به کارگری کشانده است
۲- محافل مذهبی‌ای که علیرغم ترکیب کاملاً غالب کارگری آنها، اداره آن بدست طلبه‌ها، آخوندها، عناصر وابسته به خرده بورژوازی شهری قرار دارد

نتیجه: کارگران تحت نفوذ فرهنگی - سیاسی خرده بورژوازی تضاد واقعی خود را با طبقه حاکمه درک می‌کنند انگیزه‌های آنان را اغلب مبارزه با نظام منحط و فاسد طبقه حاکمه و اعتقادات رو به زوال (فساد) تشکیل می‌دهد نه شکل زندگی خودکارانه و مطالبات سیاسی اقتصادی مربوط به منافع طبقه خود شان
... در مقابل ورود و رسوخ آگاهی اصیل سوسیالیستی سدهایی ایجاد کرده و مبارزه واقعی و درازمدت او (طبقه) را ... می‌اندازد ... مثبت تلقی شود
[ص ۸]

— «این بار نه در طرف اول معادله جنبش خود بخودی، بلکه در طرف دوم آن، یعنی جنبش انقلابی است که باید در جستجوی مشکلات و درد بی‌درمان بود»
مهم‌ترین سؤالی به این مسئله تحویل می‌شود که: جنبش انقلابی ما — کل جنبش انقلابی ایران — در چه وضعی بسر می‌برد؟ [ص ۹ س ۱]

— محدودیتها و اینکه در شرایطی بسر می‌بریم نه بعد اتفاق بلکه نتیجه از این نظر که در بهترین شکل دچار تفرقه و چند دستگی شده‌اند
دو گروه عمده که تاکنون معروف به معتقدین به خط مشی مسلحانه و معتقدین به خط مشی سیاسی (صرف نظر از تقسیمات درونی آنها) نه با یکدیگر و نه حتی در بین خود دارای هیچگونه وحدتی نیستند. گروه‌ها و سازمانهای انقلابی داخل (چه معتقد به مشی مسلحانه و چه نعتقد) از یکطرف و گروه‌ها و عناصر انقلابی خارج از طرف دیگر، هر کدام به تنهائی به راه خود می‌روند.
[ص ۹]

— چرا اذکنند بین آن گروه رزمنده مسلحی که ... آن گروه صادقی که بکار سیاسی در میان طبقات زحمتکش مشغول است — ...
الله میدانی که شما نمی‌توانید به صمیمیت و صداقت آنها شک کنید ... هیچکدام انتخابی برحق یا معاصی

- «ما بعنوان جزئی از جنبش مسلحانه خلق و تازه جدا کرد که جنبش انقلابی خلق ...» [ص ۹ - س ۲]

- «آیا چشم پوشی از بقیه اجزاء جنبش انقلابی، عدم توجه به نیروهای عظیمی که در اعتصابات روزانه و جای مناسبی که به هر حال میبایست اینها در سازماندهی آگاهانه نیروهای جنبش (نه سازمانهای خود بخودی ...) پیدا کنند، یک گرایش سکتاریستی در جنبش انقلابی نیست؟» [ص ۱۰ س ۱]

- «سازمان ما بعنوان جزء کوچکی از کل جنبش انقلابی ایران و جزء لاینفک ... از جنبش مسلحانه پیشتاز.» [ص ۱۱ س ۱]

- جبهه ... واحد ترداده : «تمام مارکسیست لنینیستها و ... نیروی مبارز مذهبی، دیگران ... نیز ... جنبشهای مسلح روستائی»

لازمه عمل در این جبهه قرار دادن مبارزه از پائین‌ترین سطح، از نشر و پخش ... انقلابی از کارهای سیاسی - ترویجی و تبلیغی در میان طبقات زحمتکش خلق (کارگران، دهقانان و ...) آغاز شده تا عالیترین اشکال عمل مسلحانه در شهر و روستا ادامه یابد ...

درباره جبهه :

۱- کلیه نیروهای مارکسیست لنینیست معتقد به خط مشی مسلحانه در یک سازمان واحد سیاسی - نظامی متشکل میشوند.

۲- " " انقلابی غیر مارکسیست - مذهبی، مبارز، نیروهای انقلابی دیگر و ... که معتقد به خط مشی مسلحانه هستند میتوانند در سازمانهای مخصوص به خود متشکل شوند.

۳- کلیه عناصر و گروههای مارکسیست - لنینیست که بطور مشخص به کار فعالانه ترویجی - سیاسی و تبلیغ و ترویج ... سوسیالیسم در میان طبقات زحمتکش خلق مشغولند میتوانند مستقلاً و یا در اشکالی از ارتباط با سازمان واحد مسلح پیشتاز متشکل از مارکسیست لنینیستهای معتقد به خط مشی مسلحانه، کار انقلابی خود را دنبال نمایند. بنظر ما، کار این نیروها بطور کلی تناقضی با امر مبارزه مسلحانه گروههای مسلح مارکسیستی ندارد، چرا که هم اکنون بخشی از نیروهای خود سازمان ... با همه ... اساس مبارزه مسلحانه، در جنبش روستائی (کار توده‌ای مخصوصاً در میان کارگران) ... سازمان ما. البته اختلافات مربوط به اصل و فرع بودن این خطوط و یا چگونگی ارتباط میان عناصر استراتژیک کارهای توده‌ای و کار تبلیغ مسلحانه (که اساساً خود عناصر ما ... غالب ...) مسائلی است که در پروسه کار در درون جبهه و ... توده‌ای مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱- جریان مبارزات مارکسیستی

۲- جریان ناسیونال رفرمیسم بورژوازی ملی

A- حزب ایران + جبهه ملی اول (مصدق) [۲۰ - ۳۲]

"ادامه راه مصدق" ؛ فرم رهبری مبارزه قانونی

B- جبهه ملی دوم (جناح راست این تفکر و عناصر باقیمانده آن از روشنفکران ملی) [۱۳۴۰]

↙ نهضت آزادی [جناح چپ این جبهه، نماینده رادیکال‌ترین اقشار بورژوازی ملی و برخی از عناصر مرفه خرده بورژوازی بازار و روشنفکران مذهبی بود که در مجموع از صداقت و اصالت بیشتری برخوردار بودند) [۱۳۴۰]

اعتقاد دیرین بعضی از عناصر آن به مبارزه

۳- جریان رادیکالیسم مبارزه‌جو - خشن و ستیزه مذهبی

نماینده تفکر اقشار متوسط و پائین خرده بورژوازی بازار و پیشه‌وران شهری

فدائیان اسلام (جناح راست متعصب (ارتجاعی)، اما اکثراً خرده بورژوازی به رهبری فدائیان اسلام (نواب صفوی) ص ۱۹)

بعد از ۳۲

بخش‌هائی از بورژوازی ملی که به سازش
تن در دادند و یا خود در زمره سرمایه‌داران
وابسته درآمدند، اجباراً تا سطح تولید
خرده کالائی ساقط شدند

بخش‌های پائین بورژوازی ملی

جناح چپ آن { ۱- همچنین روابط نزدیک اقتصادی خود را با خرده بورژوازی قطع نکردند
۲- همان جناح مذهبی آنرا تشکیل می‌دادند

* پیوست منافع این دو گروه / اما عدم ادغام آنها

تسلط بورژوازی کمپرادور مسائل و معضل سیاسی برای آنها ایجاد کرد

به‌وجود روابط تجارتی و ربط مناسبات پولی در جامعه + فشار جدید ناشی از اقتصاد کمپرادور

↓

مسائل جدید - ~~مذهب پاسخگو~~

↓

استنباطات جدید از مذهب پاسخگو بود [سال ۱۳۴۲ - ۴۰]

فصل ۲

پیدایش شرایط جدید اجتماعی

حاکمیت بورژوازی وابسته، رشد پرولتاریا و ضرورت تشکل انقلابی سیاسی - تشکیلاتی - ایدئولوژیک آن

۱- زمینه‌های عینی رشد

"... دگرگونی مناسبات اجتماعی و تغییر روابط تولیدی در سالهای ۴۰ - که انباشت سرمایه و کار را جایگزین اقتصاد فئودالی میکرد - سیستم نواستعماری حکومت را تحت حاکمیت بورژوازی کمپرادور و به جامعه ما تحمیل مینمود که مسئله "انقلاب" ما را از حالت خاص خود در جهان به آنچه تر [?] نسبت این بالعکس به همین ترتیب اگر تا سالهای ۴۰، "ایدئولوژی پرولتاریا" و به همین ترتیب "روشنفکران پرولتاریا"، عمدتاً نه باعتبار وجود شرایط عینی این دو رشد طبقه کارگر (انقلاب تولید کالائی بر اشکال دیگر تولید)، بلکه عمدتاً بدلیل تاثیرپذیری از فرهنگ انقلابی جهانی و جذب نیروی انقلابی سایر نقاط جهان، تحت رهبری ایدئولوژی پرولتاریا و دیگر انگیزه روشنفکران نفوذ فرهنگ مارکسیستی در میهن ما، امکان وجود داشت، اما اکنون در نقطه عطف چنین تحولی یعنی دهه ۴۰، عمده عامل عینی چنین تفکری هم اضافه میشد. ایدئولوژی پرولتاریا و روشنفکر پرولتاریا که تاکنون بر زمینه‌های ساده ذهنی داشتند، حرکت در سالها را معلول ذات و شیوه رشد خود کرده، پیچیده بود، اکنون به تحقیق تاریخی میپردازند" [ص ۲۱]

"ایدئولوژی پرولتاریا (اکنون ترکیبی موجود)"؟ [حاکم شدن بورژوازی] [ص ۲۴]